**بیمه طلاق، راهی برای کاهش آسیب‏های بعد از طلاق**

**پدید آورنده** : اشرف گرامی‏زادگان ، صفحه 44

|  |
| --- |
| بیمه طلاق با هدف جلوگیری از ناامنی اقتصادی برخی از زنان که از همسر خود طلاق می‏گیرند و به جهت مشکلات عدیده آسیب می‏بینند، از طرف یک شرکت بیمه عنوان شده است. این بیمه چند ماه در مشهد اجرا شد و مقرر شد در استان گلستان و سپس سمنان نیز برای اجرا آماده شود؛ اما در طول این مدت با نظرات گوناگون و اعتراضاتی مواجه شد.  آیا ضرورت دارد طرحی به نام بیمه طلاق اجرا شود یا خیر؟ این سؤالی است که تلاش می‏شود در این بررسی تا حد مقدور به آن پاسخ داده شود.  **علت‏های وقوع طلاق**  جدایی زوجین پس از سال‏ها زندگی به علل گوناگونی اتفاق می‏افتد. عواملی موجب می‏شود تا زن و شوهر نتوانند به زندگی ادامه داده و به ناچار از همدیگر جدا شوند.  عللی که برای طلاق برشمرده می‏شوند عبارتند از: عوامل زیستی(عدم تناسب سن ازدواج، بیماری، نازایی)، عوامل اجتماعی و روانی (احساس نارضایتی، ناهماهنگی میان زوج‏ها، فشارهای عصبی و خشونت)، عوامل اقتصادی( فقر و فقدان منابع مالی و امکانات) و عوامل فرهنگی.  در یک تحقیق که در دادگاهها به منظور بررسی مشکلات حقوقی زنان صورت گرفته علت درخواست طلاق از طرف زنان به ترتیب عبارت بودند از: عدم پرداخت نفقه، اعتیاد مرد، مجهول المکان بودن مرد، سوء معاشرت مرد، ضرب و شتم، عدم تأمین جانی و تهدید به کشتن، بیماری مرد و اختلالات روانی، تهمت و  فحاشی، عدم تفاهم اخلاقی، انجام عمل نامشروع، سرقت، خیانت در امانت، عقیم بودن مرد، مشروب‏خواری مرد، عدم انجام وظایف زناشویی، و اهانت به مقدسات شرعیه.  موارد دیگری نیز چون ازدواج تحمیلی، بلاتکلیفی در دوران نامزدی، داشتن همسر دیگر، داشتن دوست ناباب، مبتلا بودن مرد به بیماری مسری خطرناک در زمره علت‏های درخواست طلاق از جانب زنان، آمده است.  **آسیب‏های اجتماعی ناشی از طلاق**  یادآوری این نکته لازم است که وقتی انگیزه درخواست طلاق، علل فوق است روشن می‏شود که زن در چه شرایط سختی قرار داشته و بنا به چه دلائلی درخواست طلاق داده و چرا علی‏رغم میل قلبی حاضر شده است که زندگی خانوادگی خود را از دست بدهد.  شرایط پیش آمده موجب می‏شود تا محرز گردد که چنین زنی برای آنکه کمتر به آسیب دچار شود، به حمایت بیشتری نیاز دارد.  سستی بنیان خانواده و کاهش مهر و محبت در خانه و در بین اعضای خانواده موجب افزایش طلاق می‏شود. طلاق هر چند که در هنگام ضرورت تجویز شده است ولی در صورتی که با تمهیداتی همراه نباشد، موجب آسیب‏های بسیاری می‏گردد. به خصوص هنگامی که زنان با طلاق، خانواده را ترک می‏کنند یا به زور و جبر از خانه بیرون رانده می‏شوند بدون آنکه امکانات مناسب را برای ادامه زندگی داشته باشند و از حمایتی بهره‏مند شوند.  عواقب ناگوار طلاق بر هیچ کس پوشیده نیست. شاید بتوان گفت که در  بین آسیب‏های اجتماعی عصر کنونی زیان طلاق از بقیه آسیب‏ها بیشتر است چون نه تنها زن زیان می‏بیند بلکه فرزندان و شوهر نیز دچار خسران می‏شوند؛ و این زیان در واقع اجتماع کوچک خانواده را دچار زیان می‏کند و تبعات آن نیز قابل کتمان نیست اما غالبا زیان‏بینی زن در طلاق بیشتر است بخصوص که با توجه به مسئولیت مرد در زمینه نفقه زن، با طلاق پشتوانه اقتصادی زن از بین می‏رود و چون هنوز غالب زنان از درآمد مستقل از شوهر برخوردار نیستند، با طلاق، آینده مبهم و وحشت‏زایی در انتظار آنان است.  احراز آسیب بخصوص آسیب اقتصادی به زن در نتیجه طلاق موجب شده تا راهکارهای مختلفی برای کاهش این آسیب‏ها مورد توجه قرار گیرد. برخی مخالفان با طلاق، تسهیل در آن را موجب افزایش طلاق دانسته و معتقدند که باید با سختگیری، از طلاق جلوگیری کرد و با طرح‏هایی چون بیمه طلاق به شدت مقابله می‏کنند ولی برخی طلاق را در مواردی لازم دانسته و معتقدند باید با راهکارهایی از زیان بیشتر طلاق جلوگیری کرد و نمی‏توان و نباید همیشه و در همه حال مانع انجام طلاق شد.  هر دو گروه دلائل خود را دارند که باید جداگانه مورد بحث واقع شود اما چون در جامعه و قانون طلاق وجود دارد و آمار آن نیز امروزه به جهات گوناگون افزایش داشته است. ارائه راهکارهای حمایتی مورد توجه است.  وجود زنان مطلقه فراوان و لزوم حل مشکلات آنان جامعه را ناگزیر به حمایت و چاره‏جویی برای رفع مشکلات، زنان مطلقه می‏کند. زنان مطلقه در صورت  طلاق هر چند که در هنگام ضرورت تجویز شده است ولی در صورتی که با تمهیداتی همراه نباشد، موجب آسیب‏های بسیاری می‏گردد. به خصوص هنگامی که زنان با طلاق، خانواده را ترک می‏کنند یا به زور و جبر از خانه بیرون رانده می‏شوند بدون آنکه امکانات مناسب را برای ادامه زندگی داشته باشند و از حمایتی بهره‏مند شوند.  حمایت شدن، به مسیر بهتر و سالم‏تری هدایت می‏شوند.  **آمار طلاق**  از سال 1380 به بعد آمار طلاق بخصوص در تهران سیر صعودی داشته است. سالانه 60 هزار زن در ایران طلاق می‏گیرند که به دلیل نبود قانون حمایتی، نیازمند دریافت خدمات اجتماعی هستند. دغدغه حمایت از زنان مطلقه همیشه در کلام کارشناسان آشکار است.  امروزه این نگرانی آنقدر مشهود است که به موضوع مهم اجتماعی تبدیل شده و بسیاری از ضروری بودن بیمه طلاق و یا هر حمایت دیگر سخن می‏گویند و اجباری بودن آنها را پیشنهاد می‏کنند.  قانون اساسی و توجه به بیمه  اصل 29 قانون اساسی بیان می‏دارد  عواقب ناگوار طلاق بر هیچ کس پوشیده نیست.  شاید بتوان گفت که در بین آسیب‏های اجتماعی عصر کنونی  زیان طلاق از بقیه آسیب‏ها بیشتر است چون نه تنها  زن زیان می‏بیند بلکه فرزندان و شوهر نیز  دچار خسران می‏شوند؛ و این زیان در واقع اجتماع کوچک خانواده را دچار زیان می‏کند و تبعات آن نیز قابل کتمان نیست  اما غالبا زیان‏بینی زن در طلاق بیشتر است  بخصوص که با توجه به مسئولیت مرد در زمینه نفقه زن،  با طلاق پشتوانه اقتصادی زن از بین می‏رود.  برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‏سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‏های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.  دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‏های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.  نکته قابل توجه آنست که غیر از اصل 29 که تأکید خاص بر تأمین اجتماعی به عنوان حقی همگانی دارد، در اصل 21 قانون اساسی و بند 4 آن به ایجاد بیمه خاص بیوه‏گان و زنان سالخورده و بی‏سرپرست اشاره داشته و اعلام می‏دارد که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و چهار بند را به عنوان امور مربوط برمی‏شمرد که بیمه خاص یکی از آنان است.  بدین ترتیب قانون اساسی در دو جا به صراحت، تأمین اجتماعی را برای آحاد ملت از ضروریات می‏شمرد و دولت را مسئول تعمیم آن به همه می‏داند.  ولی متأسفانه در کشور و در قوانین عادی مسئله خسارت وارده از طلاق پیش‏بینی نشده و زنان گاه خود باید متحمل آسیب‏های حاصل از برهم خوردن زندگی خانوادگی شوند و هیچ کس حتی شوهر در جبران خسارت حاصله خود را شریک نمی‏داند.  علاوه بر این محرز است که زن دارای امکانات مناسب نیست و قبلاً نیز در تدارک چنین آتیه‏ای نبوده است. لذا زیان وارده به زن و آسیب‏پذیری او بیشتر است.  **حقوق مادی زن پس از طلاق**  در قوانین عادی چند حق برای زن در هنگام و بعد از طلاق در نظر گرفته شده است که خود آن حقوق و استیفای آنها با ابهام و سختی همراه است از جمله:  1. زن در صورت طلاق می‏تواند نفقه عقب‏افتاده و یا حاضر خود را مطالبه کند.  اثبات نفقه و اینکه زن آن را دریافت نکرده است و یا کیفیت آن و محاسبه میزان درست آن، کار بسیار سختی است. اینکه میزان آن چقدر است؟ مفید فایده است یا خیر؟  2. زن در صورت طلاق می‏تواند مهریه خود را مطالبه کند. (ماده 1082 قانون مدنی) درخواست چنین حقی نیز به سختی امکان‏پذیر است. مهریه اندک است یا زیاد؟ باید وارد معامله شد و در قبال عدم دریافت مهریه فرزند را به دست آورد یا خیر؟  مهریه زیاد امکان چانه‏زنی را افزایش می‏دهد ولی اگر مهریه کم باشد چه باید کرد؟  پس از هفت خوان رستم، اگر مرد دچار عسر و حرج باشد و قادر به پرداخت تعهد خود بر مهریه همسر نباشد چه باید کرد؟  3. زن در صورت طلاق می‏تواند اجرت‏المثل سال‏های تلاش خود را در منزل همسر درخواست کند. البته در صورتی که به صراحت اعلام کند که کارهای منزل را مجانی انجام نداده و کلیه امور را به درخواست شوهر انجام داده است.  برای محاسبه اجرت نیز متأسفانه قاعده درستی اعمال نمی‏شود و تابع نظر قاضی دادگاه و به تبع آن سلیقه‏ای است لذا هیچ بخشنامه و آیین‏نامه‏ای برای محاسبه واقعی وجود ندارد. نظر قاضی است که تعیین می‏کند زحمات شما چه میزان می‏ارزد و پس از طلاق با آن وجه تا چه حد می‏توانید به آینده امیدوار باشید. (ماده 336 قانون مدنی)  4. زن در صورت طلاق می‏تواند به شرط اول دفترچه سند ازدواج استناد کند و بخواهد در اموال به دست آمده در طول زندگی با همسرش شراکت کند.  البته در صورتی که هر دو پای شرط را امضا کرده باشند و متن شرط منطبق با  اصل 29 قانون اساسی بیان می‏دارد برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری،  از کارافتادگی، بی‏سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‏های پزشکی  به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.  در اصل 21 قانون اساسی و بند 4 آن  به ایجاد بیمه خاص بیوه‏گان و زنان سالخورده  و بی‏سرپرست اشاره داشته و اعلام می‏دارد  که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و چهار بند را به عنوان امور مربوط برمی‏شمرد که بیمه خاص یکی از آنان است.  شرایط موجود باشد؛ یعنی مرد بدون دلیل بخواهد زن را طلاق دهد و ... .  یکبار دیگر شرط اول دفترچه ازدواج را مطالعه کنید تا مشخص شود که این شرط در عمل نتوانسته به تأمین آتیه زنان کمک کند.  هیچ یک از موارد فوق نمی‏تواند به زن مطلقه این اطمینان را بدهد که پس از سال‏ها زندگی اکنون که ناچار از جدایی و طلاق است، تأمین آیته دارد و دچار آسیب‏های اجتماعی نخواهد شد.  بررسی پرونده‏های دادگستری بیانگر این نکته است که به ندرت زنان توانسته‏اند از آنچه قانون مدنی به آنان بشارت داده بود، سود جویند و خاطری آسوده داشته باشند.  اگر موادی که برشمردیم به حال زنان مفید بود هم کاهش طلاق در خانواده داشتیم و هم کاهش آسیب‏های اجتماعی.  **بیمه طلاق چیست؟**  در سال 1387 شرکت سهامی بیمه ایران اعلام کرد که طرح بیمه طلاق برای حمایت از زنان مطلقه را تا برقراری شرایط ازدواج دوباره اجرا می‏کند. هدف طرح بیمه طلاق جلوگیری از ناامنی اقتصادی برخی از زنان که از همسر خود طلاق می‏گیرند، عنوان شد.  و نیز علت ضرورت اجرایی طرح نیز افزایش آمار طلاق در کشور و حساسیت مسئولان جهت تداوم اقداماتی از این دست در راستای کاهش پیامدهای زیانبار این پدیده اعلام گردید.  مجریان بیمه طلاق معتقدند حدود نیمی از زنان مطلقه به دلیل ناتوانی در تأمین زندگی، پس از طلاق گرفتار بزهکاری و ناهنجاری شده و دچار مشکل می‏گردند از این رو باید بیمه‏ای را در این شرایط برای این نوع از زنان مقرر کرد تا از حقوق هر چند اندک برخوردار شوند. این حمایت باید تا زمانی که زن ازدواج کند و یا شغلی بیابد، ادامه داشته باشد.  گفته می‏شود مصر از جمله کشورهای مسلمان است که به جهت آمار بالای طلاق، طرح بیمه طلاق در آن اجرا می‏شود.  **پیامدهای مثبت و منفی طرح بیمه طلاق**  پس از طرح بیمه طلاق توسط شرکت بیمه مذکور، نظرات متفاوت و گاه متناقضی در جامعه مطرح گردید. بسیاری نفس طرح را مخالف ارزشی بودن جامعه دانسته و ابراز کردند که بیمه ازدواج را باید رواج داد نه بیمه طلاق را؛ و برخی هم بیمه طلاق را موجب گسترش طلاق و آن را باعث افزایش آمار آن دانستند.  مسئله موافقت و یا مخالفت با بیمه طلاق سؤال اصلی این کشمکش‏ها شد.  رییس انجمن مددکاری ایران اعلام کرد که باید بیمه طلاق اجباری شود و برای اجرای آن نیازی به صرف بودجه و اعتباری از سوی دولت نیست. دکتر «اقلیما» که خود یکی از کارشناسان اجتماعی است، گفت اجباری شدن بیمه طلاق هم به نفع دولت و هم به سود زنان خواهد بود. چنانچه بیمه طلاق از همان ابتدای زندگی برای مردان اجباری شود و آنها مجبور باشند ماهیانه مبلغی را پرداخت کنند، در صورت ادامه زندگی مشترک که نیازی به آن نخواهد داشت اما چنانچه زندگی زوج‏ها پس از چندین سال به جدایی و طلاق کشیده شود، در آن شرایط بیمه طلاق بسیار به درد زنان  دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‏های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.  بررسی پرونده‏های دادگستری بیانگر این نکته است که به ندرت زنان توانسته‏اند از آنچه قانون مدنی به آنان بشارت داده بود، سود جویند و خاطری آسوده داشته باشند.  خواهد خورد و این زنان می‏دانند که از حقوقی هر چند اندک برخوردار خواهند شد.  در ادامه این گفتگو تأکید شده است که براساس آمارهای به دست آمده، 50 درصد زنان مطلقه جوان هستند و همین امر باعث می‏شود مشکلات بی‏شماری برای این قشر از افراد جامعه به وجود آید، ضمن آنکه فرهنگ جامعه ما به گونه‏ای است که مردم نگاه خوبی نسبت به زنان مطلقه ندارند. کار و مسکن به آنها داده نمی‏شود و ناچارند به راهها و کارهای خلاف برای گذران زندگی روی آورند.  **سرنوشت مبهم طرح بیمه طلاق**  نخستین بار که طرح بیمه طلاق مطرح شد، اظهار نظرهای گوناگونی را در پی داشت. اما متولیان امور زنان و خانواده عکس‏العملی بروز ندادند. تنها مسئله مربوط در موضوع بیمه زنان خانه‏دار بود که با شدت و ضعف و توقف و یا شروع دوباره درباره آن صحبت شد.  مسئولان امور زنان و خانواده اعلام کردند که بیش از 5/1 میلیون نفر زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که  مجریان بیمه طلاق معتقدند حدود نیمی از زنان مطلقه  به دلیل ناتوانی در تأمین زندگی، پس از طلاق گرفتار بزهکاری  و ناهنجاری شده و دچار مشکل می‏گردند از این رو باید  بیمه‏ای را در این شرایط برای این نوع از زنان مقرر کرد تا از حقوق هر چند اندک برخوردار شوند. این حمایت باید تا زمانی که زن ازدواج کند و یا شغلی بیابد، ادامه داشته باشد.  بسیاری نفس طرح را مخالف ارزشی بودن جامعه دانسته  و ابراز کردند که بیمه ازدواج را باید رواج داد نه بیمه طلاق را؛  و برخی هم بیمه طلاق را موجب گسترش طلاق  و آن را باعث افزایش آمار آن دانستند.  بخشی از آنان تحت حمایت سازمان‏های متولی از جمله سازمان بهزیستی و کمیته امداد به سر می‏برند و البته آن حمایت‏ها کافی نیست. زنان بسیاری هم در نوبت درخواست حمایت هستند و سالانه نیز 60 هزار نفر به آمار زنان مطلقه افزوده می‏شود.  مطالب فوق ضرورت طرح‏هایی مانند طرح بیمه طلاق را برای جامعه امری لازم می‏داند که نباید از چشم متولیان امور دور بماند. هر چند که نیاز این نوع طرح‏ها به بررسی بیشتر و کارشناسانه‏تر هم وجود دارد.  در بررسی برخی دیدگاهها مسئله نفع و یا زیان طرح مورد شک و تردید قرار داشت لذا شاهد بودیم که مسئولان طرح بیمه طلاق بیان کردند که این طرح را با جدیت پیگیری می‏کنند و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند داد.  از این رو می‏توان نتیجه گرفت که افکار عمومی هنوز در مورد اجرای چنین حمایت‏هایی شکل نگرفته است.  البته نفس حمایت از زنان مطلقه، تنها و بی‏سرپرست، خوب و قابل تأمل است اما باید به اصل ضرورت آن و حمایت از زنان نیازمند تأکید داشت هرچند که می‏توان راهکارهای مناسب‏تری با فرهنگ و عرف جامعه برای آن جستجو کرد.  به خاطر بسپاریم:  1. ضرورت بیمه زنان بخصوص زنان خود سرپرست و تنها در قانون اساسی وجود دارد لذا باید برای اجرای آن، قانون و مقررات مناسب وضع شود.  2. به یاد آوریم که حمایت از زنان بخصوص هنگام بی‏سرپرستی، بیوه‏گی، طلاق و ... وظیفه دولت است.  3. شرکت‏های بیمه هم می‏توانند به بخشی از جامعه صیانت دهند و حتی در این موضوع از بیمه اختیاری و یا انواع بیمه‏ها بهره ببرند.  4. توافق زوجین در مورد چنین بیمه‏ای، صیانت بیشتری به خانواده و استحکام آن می‏دهد.  5. طرح این مسئله که زنان به خاطر دریافت یک مستمری ماهانه کانون خانوادگی خود را برهم زده و طلاق می‏گیرند، اتهامی بیش نیست و نباید در حوزه بیمه با طرح چنین مسائلی جامعه زنان را از حمایت مندرج در قانون محروم کرد و یا کارشناسان را از طرح موضوعات ضروری جامعه باز داشت.  امید است که مسئله حمایت از اقشار آسیب‏پذیر از اولویت‏های مهم برنامه‏ریزان کشور باشد.  **منابع:**  سایت شرکت سهامی بیمه ایران.  قانون مدنی.  قانون اساسی (اصل 29 و 21).  تحقیق بررسی مشکلات حقوقی زنان در دادگاهها، 1376، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.  مقاله روند تحولات زندگی خانوادگی از حیث جمعیت‏شناسی، دکتر کاظمی‏پور.  مصاحبه دکتر مصطفی اقلیما، کارشناس و رییس انجمن مددکاری ایران، مهرماه 1384.  مصاحبه جواد سهامیان مقدم، مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران.  سایت جهان‏نیوز، گزارشی از اجرای بیمه طلاق. |